

حذف هم‌خوان پایانی در گفتار فارسی‌زبانان

در مناطق تهران و شهرری

رویکردی اجتماعی - زبانی براساس نظریهٔ بازیل برنشتاین

اسمعیل علی سلیمی*

الهه واثق**، معلاه واثق**

چکیده

زبان پدیده‌ای است اجتماعی و هر زبان گوناگونی‌ها و تنوعاتی گسترده دارد که به سبک‌ها و گونه‌های اجتماعی متفاوت اشاره دارند. پژوهش حاضر به مقدار حذف هم‌خوان پایانی کلمات در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع اول ابتدایی شهرری و نیز شهر تهران پرداخته و در واقع گونه زبانی دانش‌آموزان دو طبقه اجتماعی پایین و بالای شهر را بررسی کرده است. در این شاخص برای تعیین طبقه اجتماعی از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و عواملی مانند محل سکونت، تحصیلات و شغل والدین استفاده شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در یک جامعه آماری شامل ۲۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر از دو منطقه جنوب و شمال شهر تهران انجام شده است. در این پژوهش، متغیرهای مستقل طبقه اجتماعی و جنسیت‌اند و متغیر وابسته متغیر زبانی است و تمام مباحث برپایه نظریه بازیل برنشتاین است. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه‌های ۶۰ سؤالی گردآوری و با استفاده از آزمون لون (Leven)، t و آمار توصیفی تحلیل کمی و کیفی شد. نتایج این پژوهش حاکی از آن هستند که در تمام موارد حذف‌های پایانی دانش‌آموزان مناطق پایین شهر بیش از دانش‌آموزان مناطق بالای شهر بوده و به‌طور کلی پسران(هر دو منطقه) بیش از دختران(هر دو منطقه) عمل حذف را انجام می‌دهند.

* استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، دکترای آموزش زبان انگلیسی، easalimi@atu.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام‌نور (نویسندهٔ مسئول)، vaseghe@ripi.ir

*** دانشجوی دکتری علوم شناختی - زبان‌شناسی، پژوهشکده علوم شناختی، vasegh_m@mapnagroup.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۱

کلیدواژه‌ها: حذف هم‌خوان پایانی، طبقه اجتماعی، جنسیت، تحصیلات، محل سکونت، سن.

۱. مقدمه

همواره می‌توان گوناگونی‌های زبانی را ناشی از تأثیر عوامل غیرزبانی بر زبان دانست؛ ویژگی اجتماعی زبان آن را با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی و فرهنگی مربوط می‌کند و با تحول و دگرگونی جامعه زبان نیز، با آهنگی کندتر، تحول می‌یابد.

زبان‌شناسی اجتماعی یکی از جدیدترین رشته‌های زبان‌شناسی است و، بنا بر تعریف لباو (Labov) (۱۹۷۲:۳۰۳)، زبان را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و در بافت اجتماعی آن بررسی می‌کند. ویلیام لباو مطالعاتی گسترده و مفید در این زمینه انجام داده و به گوناگونی‌های زبانی و توجیه آنها براساس متغیرهای اجتماعی پرداخته است.

کشاورز (۱۳۷۱: ۴۱) به نقل از جامعه‌شناسان زبان گفته است: «زبان در درجه اول پدیده‌ای اجتماعی است و میان زبان و جامعه رابطه تنگاتنگ وجود دارد.» این امر جامعه‌شناسان زبان را به سوی مطالعه هم‌زمان ساختار اجتماعی و ساختار زبانی و کشف روابط میان آنها سوق می‌دهد. به‌طور کلی، ساختار جامعه بسیار پیچیده و شامل عوامل و متغیرهای بسیار است. برای مطالعه و توصیف زبان، باید همراه با مطالعه متغیرهای زبانی، به مطالعه و بررسی متغیرهای اجتماعی نیز پرداخت. مهم‌ترین متغیرهایی که در مسائل زبانی مطرح هستند عبارت‌اند از: جنسیت، سن، سطح تحصیلات، طبقه اجتماعی، شغل، منطقه جغرافیایی، نژاد و مذهب. جنسیت از جمله متغیرهایی است که جامعه‌شناسان زبان توجهی خاص به آن داشته‌اند.

تحقیق حاضر دارای اهداف مختلفی بوده که از چندین منظر قابل طرح است:

هدف توصیفی: دستیابی به عوامل منجر به حذف برخی از هم‌خوان‌های پایانی. می‌توان گفت که هدف اصلی این تحقیق بررسی آواهای حذف‌شده در پایان کلمات فارسی در گفتار دانش‌آموزان مقطع اول ابتدایی است.

هدف نظری: آزمون آموزه‌های علم زبان‌شناسی اجتماعی در اجتماعات ایران.

هدف فرهنگی: توصیف بخشی چشم‌گیر از کاربرد زبان فارسی که در حال تغییر است، قبل از تغییر کامل آن.

هدف کاربردی: ارایه راه‌کارهایی به برنامه‌ریزان زبان در زمینه اجتماعات برگزیده در پایان‌نامه (به‌ویژه در مبحث آموزش ابتدایی).

اگر شناسایی مشکلات و سختی‌ها پیش‌نیاز هر گونه درمان و چاره‌جویی است، مسائل آموزش و پرورش را نیز، همانند دیگر مسائل مهم زندگی روزمره، باید شناخت و تجزیه و تحلیل کرد و بر مبنای علت‌ها به درمان مشکلات و چاره‌جویی برای آنها پرداخت؛ از این رو در این پژوهش پاسخ به سؤالاتی مدنظر بوده که مهم‌ترین آنها به شرح زیراند:

۱. تفاوت حذف هم‌خوان پایانی کلمات در بین دانش‌آموزان شهری و شهر تهران چیست؟
۲. تاثیر جنسیت بر مقدار حذف هم‌خوان پایانی در این دو منطقه چیست؟
۳. حذف لثوی‌های انفجاری در بین کودکان مقطع اول ابتدایی شهر تهران و شهری با حذف n پایانی یا nd از لحاظ بسامد وقوع چه تفاوتی دارد؟

۲. پیشینه

۱.۲ مطالعات جامعه‌شناسی زبان

تاکنون پژوهش‌هایی مختلف درباره جامعه‌شناسی زبان و متغیرهایی مانند فرهنگ، جنسیت و سن انجام شده‌اند که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

جنسیت از جمله متغیرهایی است که جامعه‌شناسان زبان توجهی خاص به آن داشته‌اند. به گفته مدرسی (۱۳۶۸: ۱۶۱): «با آن که عامل جنسیت در اصل جنبه بیولوژیکی دارد، اما از آن جا که زنان و مردان نقش‌های اجتماعی کاملاً یکسانی برعهده ندارند، جنسیت را نیز معمولاً یک عامل اجتماعی به شمار آورده‌اند.»

توماس ویرینگ (T. Wareing ۲۰۰۱: ۸۰) در بحث رابطه زبان و جنسیت می‌گوید: «ما با توجه به رنگ لباس‌هایی که بر تن نوزادان است سعی می‌کنیم جنسیت آنها را تشخیص دهیم و حتی از ابزارها و امکاناتی که در محیط پیرامون مان وجود دارد کمک می‌گیریم تا جنس‌مان را با آنها بنماییم.»

هاس (Hass ۱۹۹۴: ۲۳۳-۲۲۸) از جمله محققانی است که درباره رابطه زبان و جنسیت مطالعه کرده است. وی ضمن بررسی زبان کوسانی تفاوت رفتار زبانی زنان و مردان را بیان کرده و تفاوت صرف فعل در گفتار دو جنس را در یک بافت خاص مدنظر قرار داده است.

فاسولد (Fasold ۹۵:۱۹۹۰) به شناسایی آن دسته از عوامل می‌پردازد که زنان را وادار می‌سازد بیش از مردان از گونه استاندارد زبان استفاده کرده و به تبع آن از نظر بسیار مودب‌تر نمایانده شوند. به باور وی در تلاش جهت پاسخ به این پرسش، باید زبان را به عنوان یک رفتار اجتماعی ارزشمند مدنظر قرار داد که منعکس کننده شبکه‌ای پیچیده از ارتباطات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دورانی در بطن یک جامعه می‌باشد. رابین لیکاف (۱۹۷۵، Lakoff) در کتاب «زبان و جایگاه زنان» به ویژگی‌های بارز گفتار زنان اشاره کرده است. بسیاری از زبان‌شناسان این کتاب را نقطه آغاز توجه زبان‌شناسان قرن بیستم به تفاوت‌های جنسی می‌دانند.

نادر جهانگیری درباره تفاوت‌های گفتاری زنان و مردان فارسی‌زبان تحقیقاتی گسترده انجام داده و ده متغیر زبانی را نیز در زمینه تفاوت‌های اجتماعی گویشوران فارسی‌زبان تهرانی بررسی کرده است. به گفته وی الگوهای گوناگون زبانی به گونه‌ای چشم‌گیر بر حسب متغیرهای زبانی، گروه‌های اجتماعی و گویشوران، متفاوت‌اند. در این بررسی نیز، تحصیلات به عنوان یک عامل مهم در ایجاد تمایزهای گفتاری مطالعه شده است. (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۲)

بازیل برنشتاین (Bernstein)، فیلسوف و جامعه‌شناس معاصر انگلیسی، درباره ارتباط طبقه اجتماعی و نوع زبان اکتسابی کودک تحقیقاتی گسترده انجام داده و این ارتباط را از دیدگاهی نسبتاً متفاوت بررسی کرده است. او معتقد است که طبقه اجتماعی فرد، با تأثیر بر ساختار خانواده، نوع گونه زبانی کودک را تعیین می‌کند. برنشتاین در نظریه خود مدعی شد که کودکان با امکاناتی برابر وارد نهاد مدرسه نمی‌شوند و مثلاً کودکان طبقه کارگر و طبقه متوسط از حیث یادگیری قابلیت‌های زبانی پیشینه‌های خانوادگی گوناگون دارند و همین قابلیت‌ها نیز آنها را در آغاز مسیر تحصیل نابرابر می‌کند، خصوصاً که آموزش و پرورش نیز سازوکاری برای کنترل این وضعیت ندارد و ناخودآگاه، علی‌رغم شعارهای برابری خواهانه و شایسته‌سالارانه خود، به این نابرابری میدان می‌دهد و آن را تشویق می‌کند.

کری (Currie، ۱۹۸۱) اولین کسی بود که عبارت جامعه‌شناسی زبان را به کار برد و مدعی گشودن راهی نو در زبان‌شناسی بود. بررسی مدارک تاریخی نشان می‌دهد که موضوعات بحث‌شده در جامعه‌شناسی زبان قدمت بسیار دارند و در دوران هراکلیتوس در ۴۸۰ سال قبل از میلاد هم می‌توان ردپای آنها را دید و ربرگ (Verberg، ۱۹۷۴).

قدر مسلم این است که محتوای جامعه‌شناسی زبان حاصل فعالیت یک نفر نیست و همان گونه که دل‌هایمز (۱۹۷۴) اشاره می‌کند هنوز تعریفی واحد و جامع و کامل برای این شاخه علمی ارایه نشده نیست. نگاهی گذرا به چند تعریف و توصیف جامعه‌شناسی زبان این مطلب را روشن می‌کند:

(۱) جامعه‌شناسی زبان بررسی مشخصه‌ها و ویژگی‌های گونه‌های متفاوت زبانی، تعیین نقش‌های این گونه‌ها و توصیف کسانی است که این گونه‌ها را در زندگی روزمره به کار می‌برند فیش من (Fishman، ۱۹۷۱)

(۲) جامعه‌شناسی زبان می‌کوشد تعریفی منسجم از رابطه زبان و الگوها و ساختارهای گوناگون اجتماعی به دست دهد رومین (Romaince، ۱۹۸۲).

(۳) جامعه‌شناسی زبان بر جنبه‌های گفتاری و رفتاری زبان، در تمام ابعاد اجتماعی آن، تاکید دارد گیگلیولی (Giglioli، ۱۹۷۲).

(۴) جامعه‌شناسی زبان به مطالعه مفاهیم فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد و این که چگونه این مفاهیم در قالب زبان تحقق پیدا می‌کنند پراید (Pride، ۱۹۷۰).

(۵) جامعه‌شناسی زبان به آن بخش از زبان‌شناسی اطلاق می‌شود که زبان را به عنوان یک پدیده فرهنگی - اجتماعی بررسی می‌کند (ترادگیل، ۱۹۷۴).

جامعه‌شناسان زبان، زبان را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند و به تأثیر عوامل اجتماعی بر آن اعتقاد دارند. پژوهشگران همواره به تفاوت شیوه کاربرد زبان در میان مردان و زنان توجه داشته‌اند. به عقیده نیومن و همکارانش، زنان و مردان در نوع واژه‌های زبان گفتاری خود تفاوت‌هایی دارند.

تعاریف فوق نشان می‌دهند که جامعه‌شناسان زبان هر کدام جنبه‌ای خاص از زبان را بررسی کرده‌اند، ولی وجه مشترک تمام این تعاریف آن است که همگی به بررسی جنبه اجتماعی زبان پرداخته‌اند.

در زمینه هم‌بستگی زبان و طبقه اجتماعی پژوهش‌هایی متنوع انجام شده‌اند که از این میان می‌توان به پژوهش‌های مدرسی (۱۳۶۸)، جهانگیری (۱۹۹۲)، حسینی ابریشمی (۱۳۷۰)، حسینی (۱۳۷۲)، پرتوی (۱۳۷۴)، هرینگتن و استیونز (۲۰۱۵، and Harrington Stevens) و کلب (Kleber، ۲۰۱۲) اشاره کرد.

۲.۲ مطالعات هم‌خوان‌های پایانی

کامبوزیا درباره حذف مینویسد: در گفتار پیوسته معمولاً خوشه‌های همخوانی با حذف یک همخوان، ساده می‌شوند و از تعداد هجاهای کلمات چندهجایی با حذف یک واکه کاسته می‌شود. حذف با درج در تقابل است. ممکن است یک عنصر واجی از جایگاه آغازی، میانی و یا پایانی کلمه حذف شود (۱۳۸۸:۲۶۷).

حذف از جمله فرآیندهای واجی رایج در زبان‌ها بوده که در آن یک یا چند مشخصه‌ی آوایی در یک موضع مشخص حذف می‌شوند (بی‌جن خان، ۱۳۸۴:۲۰۴).

مطالعات در زمینه خوشه‌های هم‌خوانی در زبان فارسی بسیار محدود و بیش‌تر در زمینه حذف پایانی انسدادی چاکنایی هستند. نتایج نشان می‌دهند که حذف هم‌خوان انسدادی چاکنایی همواره باعث کاهش واکه‌ای نمی‌شود و فقط در بافت‌هایی مانند CVGC این اتفاق رخ می‌دهد (شادمان، ۱۳۸۲).

مدرسی (۱۳۶۸:۱۹۹) هم‌بستگی عامل تحصیلات را با کاربرد گونه محاوره‌ای فارسی در بین فارسی‌زبانان تهرانی بررسی کرده است. وی در تحقیقاتش به‌وضوح نشان داده که حذف /t/ و /d/ در خوشه‌های پایانی با سطح تحصیلات گویندگان رابطه نزدیک دارد. وی معتقد است با کاهش سطح تحصیلات گویشوران، حذف /t/ و /d/ افزایش یافته است، به‌طوری که در گروهی با پایین‌ترین سطح تحصیلات به حداکثر مقدار خود، یعنی ۷۵/۲ درصد، رسیده است.

حذف هم‌خوان /t/ و /d/ در گویش گالشی به‌عنوان عضو دوم خوشه یا توالی هم‌خوان‌ها، حذف هم‌خوان واکن‌دار پایانی پس از واکه‌های کشیده رخ می‌دهد (صفری، ۱۳۹۵:۱۵۱).

اسدی (۱۳۸۶)، در تحقیقی با موضوع بررسی حذف واکه و هم‌خوان در فارسی محاوره‌ای با ضبط مکالمه سه نفر از فارسی‌زبانان و بررسی آماری، ۴۰۳۸ هم‌خوان را در این پیکره زبانی نشان داده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن هستند که یک‌هشتم هم‌خوان‌ها، به‌خصوص چاکنایی، لثوی و کامی، در این گفتگوها حذف شده‌اند. اسدی در این بررسی نشان داد که جایگاه آوا و طبقه واژه دو عامل این حذف‌اند و برای نمونه حذف‌ها در پایان کلمات بیش‌تر رخ می‌دهند.

استوارت - اسمیت و لاوسون در تحقیقات خود در سال ۲۰۰۸ نشان دادند که /t/ در پایان برخی کلمات حذف می‌شود و ما از آن ادراکی نداریم، ولی حذف کامل نیست و این درک ناچیز از /t/ به دلیل تاخیر در حرکت نوک زبان است.

بر اساس فرضیه براومن و گلدزاستاین (۲۰۰۱، Goldstein & Browman)، /t/ لثوی در کلمه‌ای مانند *must be* به دلیل وجود *b* و در زمان تلفظ سریع، به صورت [masbi] ادا می‌شود که توجیه آن در این فرضیه آن است که وقتی اندام‌های تولیدی در وضعیت تولید /t/ هستند و به دلیل قرار گرفتن سریع اندام‌های گفتار در وضعیت تولید /b/ دولبی، این آوا پنهانی و در لفافه تلفظ می‌شود و گویا حذفی رخ نمی‌دهد و از این رو این آوا شنیده نمی‌شود.

مطالعات بسیاری بر روی کلماتی که به انسدادی‌های تیغه‌ای ختم می‌شوند انجام شده است و اهمیت این مطالعات به دلیل حذف انسدادی‌های تیغه‌ای بوده که پس از یک هم‌خوان دیگر قرار می‌گیرند آوری و رایس (۱۹۸۹، Avery & Rice).

وضعیت ویژه هم‌خوان‌های تیغه‌ای باعث شده است که مطالعات بسیاری در این زمینه در مقایسه با هم‌خوان‌های لبی و بدنه‌ای صورت پذیرد (دیویس ۱۹۹۱:۳).

در زبان فارسی گروه‌هایی از هم‌خوان‌ها می‌توانند در انتهای کلمات حضور داشته باشند. این آواها شامل انسدادی‌ها، سایشی‌ها، انسایشی‌ها، خیشومی، روان‌ها و نیم‌واکه‌ها هستند. در این زبان، روان‌ها در ترکیب با دیگر هم‌خوان‌ها بسامدی بالا دارند. انسدادی‌ها و سایشی‌ها نیز پویایی بالایی در ترکیب با دیگر هم‌خوان‌ها دارند و در زبان فارسی تمام هم‌خوان‌ها، به جز روان-روان، در پایان می‌توانند با یک‌دیگر ترکیب شوند.

تمایل برخی از خوشه‌های هم‌خوانی به ساده شدن و سهولت تلفظ بیش از دیگر هم‌خوان‌هاست. فرآیند ساده‌سازی خوشه‌های هم‌خوانی اصولاً در زمان تکلم سریع و یا گفتارهای محاوره‌ای رخ می‌دهد.

یسوویچ (۱۹۸۵، Pisowics) تایید کرده که حذف هم‌خوان‌ها در زبان فارسی بیش‌تر در گفتار روزمره رخ می‌دهد. ماهوتیان (۱۹۹۷) فهرستی از خوشه‌های هم‌خوانی را که در پایان کلمات فارسی می‌آیند و به ساده شدن تمایل دارند تهیه کرده است. به اعتقاد وی، در زبان فارسی ساده‌سازی خوشه‌های هم‌خوانی در پایان کلمات یک قانون است. وی در مطالعات خود حذف انسدادی‌های تاج زبانی /t/ و /d/ را که در فارسی بسامدی بالا دارد بررسی کرده و هم‌چنین نشان داده که در معدودی از کلمات /t/ به صورت اختیاری حذف می‌شود.

بسیاری از محققان انسدادی‌های تاج زبانی پایانی را، زمانی که بعد از آنها هم‌خوان دیگری می‌آید، به دلیل بسامد بالای حذف مطالعه می‌کنند (فلاحی، ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱).

۳.۲ چهارچوب نظری

به گفته برنشتاین، گفتار کودکان طبقه پایین یک زبان محدود (Restricted speech code) را نشان می‌دهد؛ شیوه‌ای در کاربرد زبان که دارای بسیاری پیش‌فرض‌های بیان‌نشده است که گویندگان انتظار دارند دیگران بدانند. زبان محدود نوعی گفتار است که با محیط فرهنگی یک اجتماع یا محله طبقه پایین پیوند دارد. بسیاری از افراد طبقه پایین در یک فرهنگ نیرومند خانوادگی یا همسایگی، که در آن ارزش‌ها و هنجارها بدیهی و مسلم انگاشته می‌شوند و در زبان به بیان نمی‌آیند، زندگی می‌کنند. زبان در یک قالب‌بندی محدود بیشتر برای ارتباط پیرامون تجربه عملی مناسب است تا بحث درباره اندیشه‌ها، فرآیندها یا روابط انتزاعی‌تر. بدین‌سان گفتار زبان محدود ویژه کودکانی است که در خانواده‌های طبقه پایین پرورش می‌یابند و گروه‌های همسالانی دارند که در آنها اوقات خود را می‌گذرانند. گفتار در جهت هنجارهای گروه است، بدون این که هیچ کس بتواند به‌آسانی توضیح دهد که چرا آنها از الگوهای رفتار معین پیروی می‌کنند.

برعکس، به‌نظر برنشتاین، تکامل زبانی کودکان طبقه متوسط متضمن فراگیری یک زبان بسط‌یافته است. یک شیوه سخن‌گویی که در آن معانی واژه‌ها می‌توانند فردیت یابند و با وضعیت‌های خاص متناسب شوند. شیوه‌هایی که کودکان طبقه متوسط به کمک آنها کاربرد زبان را یاد می‌گیرند کم‌تر به زمینه‌های خاص محدود می‌شوند. کودک آسان‌تر می‌تواند اندیشه‌های انتزاعی را تعمیم دهد و بیان کند. بدین‌سان، مادران طبقه متوسط، هنگامی که کودکان خود را کنترل می‌کنند، اغلب دلایل و اصولی را که مبنای واکنش‌هایشان به رفتار کودک است توضیح می‌دهند. یک مادر طبقه پایین ممکن است کودک را به‌خاطر این که می‌خواهد زیاد شیرینی بخورد تنها با گفتن «دیگر شیرینی نمی‌خوری!» سرزنش کند، در حالی که یک مادر طبقه متوسط به احتمال بیشتر توضیح می‌دهد که خوردن شیرینی زیاد برای سلامت شخص و وضعیت دندان‌ها بد است.

به گفته برنشتاین، کودکانی که زبان گفتاری بسط‌یافته (Extended speech) را فرا گرفته‌اند، بیش از کودکانی که از قالب زبان محدود فراتر نرفته‌اند می‌توانند تقاضاهای آموزش و پرورش رسمی را برآورده کنند. این بدان معنا نیست که کودکان طبقه پایین

حذف هم‌خوان پایانی در گفتار فارسی‌زبانان در مناطق تهران و ... ۱۲۳

گفتاری «پست‌تر» دارند، یا این که قالب‌بندی‌های زبان آنها «ناقص» است، بلکه به این خاطر است که شیوه استفاده آنها از گفتار با فرهنگ آموزشی مدرسه برخورد پیدا می‌کند. آنهایی که بر زبان بسط‌یافته تسلط یافته‌اند، بسیار آسان‌تر در محیط مدرسه انطباق پیدا می‌کنند. شواهدی در تایید نظریه برنشتاین وجود دارند، اگر چه اعتبار آن هنوز مورد بحث است. تاف (Tough، ۱۹۷۶) زبان کودکان طبقه کارگر و متوسط را مطالعه و اختلافاتی انتظام‌یافته را میان آنها مشاهده کرده است. او نظریه برنشتاین را در این زمینه تایید کرد که تجربه کودکان طبقه کارگر حاکی از آن است که پرسش‌هایشان کم‌تر پاسخ دریافت کرده یا درباره استدلال‌های دیگران کم‌تر توضیح شنیده‌اند (تاف، ۱۹۷۶). باربارا تیزارد و مارتین هیوز (Barbara Tizard & Martin Hughes، ۱۹۸۴) نیز در پژوهش‌های بعدی به همان نتیجه رسیدند.

۳. روش پژوهش

این پژوهش، پژوهشی کاربردی در آموزش و پرورش با قصد بررسی مقدار حذف هم‌خوان پایانی در بافت‌های مختلف اجتماعی است و در آن از دو روش میدانی و کتاب‌خانه‌ای استفاده شده است. در روش میدانی ۲۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر در دو منطقه شمال و جنوب تهران انتخاب و با استفاده از پرسش‌نامه این مقدار حذف در گفتار آنها بررسی شد. از متغیرهایی مانند جنسیت و طبقه اجتماعی نیز در این پژوهش استفاده و طبقه اجتماعی کودکان براساس شغل والدین، سطح تحصیلات والدین و محل زندگی آنها مشخص شده است.

۱.۳ شرکت‌کنندگان و بستر پژوهش

در نظریه برنشتاین، براساس شاخص برندیس (Brandis Social class Index)، متغیر طبقه اجتماعی، با توجه به عوامل تحصیلات و شغل والدین، به صورت یک شاخصی در نظر گرفته شده است.

در این پژوهش متغیر مستقل طبقه اجتماعی و جنسیت است، که متغیری غیرزبانی است، و متغیر وابسته متغیر زبانی است. به عبارت دیگر، نوع گونه زبانی که دانش‌آموزان دو طبقه اجتماعی پایین و بالا استفاده می‌کنند مدنظر است. براساس شاخص برندیس، متغیر

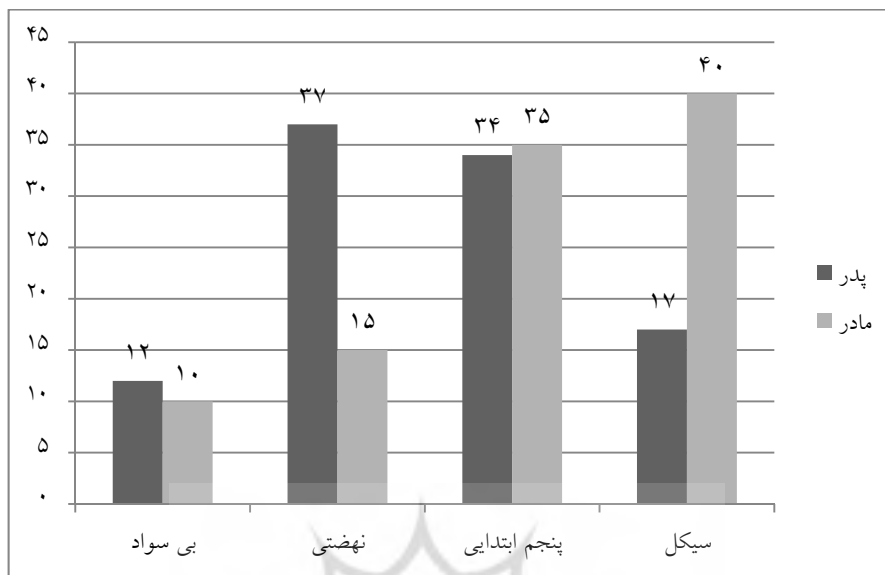
طبقه اجتماعی به صورت شاخص در آمده که در آن برای تعیین طبقه اجتماعی عوامل زیر در نظر گرفته شده است: ۱. محل سکونت؛ ۲. تحصیلات والدین و ۳. شغل والدین. لازم به ذکر است که نگارندگان علاوه بر استفاده از این سه عامل، از عواملی مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در تعیین طبقه اجتماعی استفاده و دقیقاً دو منطقه جنوب شهر، شامل منطقه ۲۰ شهرداری، باقرشهر و کهریزک، و شمال شهر، صرفاً شامل سه محله در منطقه ۳، را بررسی کرده‌اند. از تحقیقات انجام شده در حوزه زبان‌شناسی در شهر تهران در دو طبقه اجتماعی پایین و بالا (بر مبنای سطح تحصیلات، شغل و محدوده محل سکونت)، به عنوان دو قشر مهم جامعه در این شهر، نیز استفاده شده است. جداول ۱ تا ۳ و نمودارهای ۱ و ۲ بیانگر شیوه تعیین طبقه اجتماعی و نحوه نام‌گذاری طبقات‌اند.

در این پژوهش جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی پایه اول دبستان در نواحی شمال شهر و جنوب شهر (در مناطق گفته شده در بالا) در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ است. از این تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه در دو طبقه اجتماعی پایین و بالا انتخاب و هر کدام در دو طبقه مستقل ۱۰۰ نفره گزینش شدند که از هر ۱۰۰ نفر ۵۰ دانش‌آموز دختر و ۵۰ دانش‌آموز پسر بودند.

در طبقه اجتماعی پایین، والدین به چهار گروه از نظر تحصیلات تقسیم شدند (جدول ۱): بی‌سواد، سواد نهضت، پنجم ابتدایی و سیکل. کم‌ترین درصد مربوط به مادران بی‌سواد (۱۰ درصد حجم نمونه) و بیش‌ترین درصد هم مربوط به مادران با تحصیلات سیکل (۴۰ درصد حجم نمونه) است که در مقایسه با پدران، با ۱۲ درصد بی‌سواد و ۱۷ درصد دارای تحصیلات سیکل، می‌توان نتیجه گرفت که تمایل زنان نسبت به ادامه تحصیل از مردان بیش‌تر است که نمودار ۱ نیز به وضوح این مسئله را نشان می‌دهد.

جدول ۱ فراوانی تحصیلات والدین در طبقه پایین.

فراوانی در طبقه پایین		تحصیلات
مادر	پدر	
۱۰	۱۲	بی‌سواد
۱۵	۳۷	نهضتی
۳۵	۳۴	پنجم ابتدایی
۴۰	۱۷	سیکل
۱۰۰	۱۰۰	جمع



نمودار ۱ درصد تحصیلات والدین در طبقه پایین

در طبقه اجتماعی بالا هم والدین به چهار گروه تقسیم شده‌اند: فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترا. کم‌ترین درصد مربوط به پدران فوق‌دیپلم (۵ درصد حجم نمونه) و بیش‌ترین درصد هم مربوط به مادران لیسانس (۶۵ درصد حجم نمونه) است (جدول ۲). در این جا هم شاید بتوان این گونه نتیجه گرفت که تمایل زنان به ادامه تحصیل از مردان بیش‌تر است.

جدول ۲. فراوانی تحصیلات والدین در طبقه بالا.

فراوانی در طبقه بالا		تحصیلات
مادر	پدر	
۲۰	۵	فوق‌دیپلم
۶۵	۵۸	لیسانس
۶	۲۱	فوق‌لیسانس
۹	۱۶	دکترا
۱۰۰	۱۰۰	جمع



نمودار ۲. درصد تحصیلات والدین در طبقه بالا

ملاک بعدی برای تعیین طبقه اجتماعی شغل والدین است که در این ملاک مشاغل به پنج گروه تقسیم شده‌اند: دولتی، غیردولتی، خدماتی، دانشگاهی و خانه‌دار (جدول ۳). در طبقه بالا بیشترین درصد اشتغال والدین در مراکز دولتی و در طبقه پایین بیشترین درصد اشتغال پدران در مشاغل خدماتی مانند کارگر شهرداری، بنا، لوله‌کش، راننده و ... است. همچنین با مقایسه زنان خانه‌دار در هر دو طبقه متوجه می‌شویم که درصد مادران خانه‌دار در طبقه متوسط بالا ۲۶ درصد است (در مقایسه با وجود ۵۵ درصد مادر خانه‌دار در طبقه پایین) (جدول ۳).

جدول ۳. فراوانی مشاغل در هر دو طبقه اجتماعی.

فراوانی در طبقه پایین		فراوانی در طبقه بالا		شغل
مادر	پدر	مادر	پدر	
۰	۰	۷۴	۷۲	شاغل دولتی
۰	۲۱	۰	۲۸	شاغل غیردولتی
۴۵	۸۰	۰	۰	شاغل خدماتی
۵۵	۰	۲۶	۰	خانه‌دار
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

آخرین ملاک برای تعیین طبقه اجتماعی محدوده محل سکونت براساس نقشه شهرداری شهر تهران است. مناطق خیابان دولت و میرداماد و خیابان ظفر جزء مناطق بالای شهر و شهری، کهریزک و باقرشهر جزء مناطق جنوب شهر محسوب می‌شوند (جدول‌های ۴ و ۵).

جدول ۴. منطقه محل سکونت در طبقه پایین.

فرآوانی	منطقه محل سکونت در طبقه پایین
۵۰	شهری
۳۰	کهریزک
۲۰	باقرشهر
۱۰۰	جمع

جدول ۵. منطقه محل سکونت در طبقه بالا.

فرآوانی	منطقه محل سکونت در طبقه بالا
۴۰	خ دولت
۳۰	بلوار میرداماد
۳۰	خ ظفر
۱۰۰	جمع

۲.۳ ابزار گردآوری داده‌ها

برای سنجش مقدار حذف پایانی، نگارندگان قبل از طراحی پرسش‌نامه به مدت دو ماه کلماتی را که در محیط اطراف به گوش می‌رسیدند و در آنها حذف پایانی رخ می‌داد مکتوب و برخی لغات را نیز که امکان حذف پایانی دارند با رصد در لغت‌نامه مشخص کردند. سپس پرسش‌نامه‌ای با ۶۰ سؤال تهیه شد که در آن جملاتی به صورت خبری ولی ناقص گنجانده شدند تا دانش‌آموزان، با توجه به تصویر و یا به کمک محقق، به طور شفاهی قسمت‌های ناقص را تکمیل کنند و محقق صدای آنها را ضبط کرد. برخی از گزینه‌ها نیز به صورت پرسشی بیان شده بودند که هدف جواب‌شان حذف هم‌خوان بود. این پرسش‌نامه نیز در اختیار ۱۰۰ دانش‌آموز دختر و ۱۰۰ دانش‌آموز پسر مقطع اول ابتدایی در دو منطقه موردنظر قرار گرفت. در هر سؤال این پرسش‌نامه یک حذف پایانی خاص مدنظر نگارندگان بود و هر یک از سئوال‌ها به صورت عامیانه مطرح می‌شد تا دانش‌آموزان در یک فضای غیررسمی به آنها پاسخ دهند. هم‌خوان‌هایی که حذف پایانی آنها در این تحقیق بررسی شدند شامل /t/، /n/، /nd/، /d/، /r/، /h/، /k/ بودند. در این پرسش‌نامه برای هر یک از این آواها تعدادی مشخص سؤال و یا یک جمله خبری ناقص در نظر گرفته شد. برای نمونه

برای حذف /t/ پایانی جمله «علی با انگشت به عکس اشاره می‌کند» آمده که در مقابل این جمله انگشت اشاره به تصویر کشیده شده است.

برای نمونه می‌توان برای هر یک از این حذف‌های پایانی مثالی آورد:

حذف /n/ پایانی: جشن تولد

حذف /nd/ پایانی: تندتند، بانداپیچی

حذف /d/ پایانی: دزد

حذف /r/ پایانی: نذر، فکر کن

حذف /h/ پایانی: تسبیح، تمساح

حذف /k/ پایانی: خشک شدن

۳.۳ تحلیل داده‌ها

تحلیل کمی و کیفی تمام داده‌ها با توجه به آزمون لون، t و آمار توصیفی در این پژوهش انجام شده است که هر یک جداگانه شرح داده خواهند شد.

جدول ۶. ویژگی‌های توصیفی نمونه مطالعه‌شده براساس محل سکونت در حذف‌های پایانی.

حذف پایانی	گروه	تعداد	میانگین حذف پایانی	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
t	جنوب	۱۰۰	۱۶۸۹	۹۳۶۹	۰۹۳۷
	شمال	۱۰۰	۶۲۹	۴۰۷۸	۰۴۵۸
n	جنوب	۱۰۰	۲۲۳	۱۳۷۰	۰۱۳۷
	شمال	۱۰۰	۰۷۴	۰۸۲۴	۰۰۸۲
nd	جنوب	۱۰۰	۴۰۸	۲۷۲۴	۰۳۷۲
	شمال	۱۰۰	۱۶۸	۱۰۴۳	۰۱۵۴
d	جنوب	۱۰۰	۰۲۹	۰۴۵۶	۰۰۴۶
	شمال	۱۰۰	۰۱۵	۰۳۵۹	۰۰۳۶
r	جنوب	۱۰۰	۳۱۰	۱۹۷۲	۰۱۹۷
	شمال	۱۰۰	۱۱۶	۱۱۷۸	۰۱۱۸
h	جنوب	۱۰۰	۶۴۰	۲۲۴۷	۰۲۲۵
	شمال	۱۰۰	۳۰۸	۱۴۰۵	۰۱۴۰
k	جنوب	۱۰۰	۱۱۵	۰۷۳۰	۰۰۷۳
	شمال	۱۰۰	۰۳۵	۰۵۷۵	۰۰۵۸

نتایج جدول فوق، حاوی میانگین‌ها و تفاوت میانگین‌های دو گروه بالا و پایین شهر در حذف‌های پایانی، نشان می‌دهند که در تمام موارد دانش‌آموزان پایین شهر بیش از دانش‌آموزان بالای شهر حذف‌های پایانی داشته‌اند. بر همین اساس در بخش‌های بعدی حذف هر یک از آواهای موردنظر به تفکیک و با تحلیل آورده شده است.

گفتنی است برای تمامی داده‌ها از آزمون‌های تحلیل واریانس تک متغیره و همچنین آزمون توکی برای مشخص کردن میزان معنی‌داری استفاده شده است اما صرفاً این دو نوع تحلیل در خصوص حذف پایانی /t/ در این مقاله آورده شده است.

جدول ۷. آزمون‌های تحلیل واریانس تک‌متغیره برای بررسی مقدار حذف پایانی /t/ بر اساس منطقه محل سکونت و جنسیت.

سطح معناداری	آزمون F	میانگین مجزورات	دامنه آزادی	مجموع مجزورات	
۰.۰۰۰	۳۷.۵۹۱	۱۹۹۴.۴۳۳	۳	۵۹۸۳.۳۰۰	بین‌گروهی
		۵۳.۰۵۷	۱۹۶	۱۰۳۹۹.۰۸۰	درون‌گروهی
			۱۹۹	۱۶.۳۸۲.۳۸۰	مجموع

با توجه به جدول بالا، مقدار معناداری آزمون F، ۳۷/۵۹۱ است که در سطح $p < ۰/۰۱$ بین گروه‌های سنجیده‌شده (پسران و دختران هر دو منطقه) تفاوت هست، لذا برای یافتن سطوح معنادار، آزمون توکی برای مشخص کردن گروه‌های معنادار انجام شد.

جدول ۸. آزمون توکی برای مشخص کردن تفاوت حذف پایانی /t/ در مقایسه دویه دو جنسیت و منطقه محل سکونت.

سطح معناداری	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین (I-J)	(J) جنسیت/منطقه	(I) جنسیت/منطقه
۰.۴۴۲	۱.۴۵۷	۲.۱۸۰	دختر جنوب	پسر جنوب
۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	(*)۱۰.۱۲۰	پسر شمال	
۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	(*)۱۳.۲۶۰	دختر شمال	
۰.۴۴۲	۱.۴۵۷	۲.۱۸۰-	پسر جنوب	دختر جنوب
۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	(*)۷.۹۴۰	پسر شمال	
۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	(*)۱۱.۰۸۰	دختر شمال	
۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	(*)۱۰.۱۲۰-	پسر جنوب	پسر شمال
۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	(*)۷.۹۴۰-	دختر جنوب	
۰.۱۴۰	۱.۴۵۷	۳.۱۴۰	دختر شمال	

۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	۱۳.۲۶۰ (*)	پسر جنوب	دختر شمال
۰.۰۰۰	۱.۴۵۷	۱۱.۰۸۰ (*)	دختر جنوب	
۰.۱۴۰	۱.۴۵۷	-۳.۱۴۰	پسر شمال	

با توجه به آزمون توکی انجام‌شده برای سنجش معناداری مقدار حذف پایانی /t/ مشخص شد که بین پسر جنوب شهر با پسر و دختر شمال شهر و بین دختر جنوب شهر با پسر و دختر شمال شهر در حذف پایانی /t/ تفاوتی معنادار در سطح $p < ۰/۰۱$ وجود دارد؛ ولی بین پسر و دختر جنوب شهر با هم و پسر و دختر شمال شهر با هم در حذف پایانی /t/ تفاوتی معنادار مشاهده نمی‌شود.

جدول ۹. آمار توصیفی نمونه مطالعه‌شده در مقدار حذف پایانی /t/ براساس منطقه محل سکونت و جنسیت.

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
۵۰	۱۷.۹۸	۱۰.۲۴۱	۱.۴۴۸
۵۰	۱۵.۸۰	۸.۳۶۹	۱.۱۸۴
۵۰	۷.۸۶	۴.۷۵۵	۰.۶۷۲
۵۰	۴.۷۲	۳.۸۳۳	۰.۵۴۲
۲۰۰	۱۱.۵۹	۹.۰۷۳	۰.۶۴۲

با توجه به جدول بالا به ترتیب پسران جنوب شهر، دختران جنوب شهر، پسران شمال شهر و در نهایت دختران شمال شهر با میانگین‌های ۱۷/۹۸، ۱۵/۸۰، ۷/۸۶ و ۴/۷۲ حذف پایانی /t/ را انجام می‌دهند.

جدول ۱۰. توصیف آماری مقدار حذف پایانی /n/ در نمونه مطالعه‌شده براساس منطقه محل سکونت و جنسیت.

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
۵۰	۲.۳۶	۱.۲۹۰	۰.۱۸۲
۵۰	۲.۱۰	۱.۴۴۶	۰.۲۰۵
۵۰	۱.۰۰	۰.۸۸۱	۰.۱۲۵
۵۰	۰.۴۸	۰.۶۷۷	۰.۰۹۶
۲۰۰	۱.۴۹	۱.۳۵۲	۰.۰۹۶

حذف هم‌خوان پایانی در گفتار فارسی‌زبانان در مناطق تهران و ... ۱۳۱

با توجه به جدول بالا، به‌ترتیب پسران جنوب شهر، دختران جنوب شهر، پسران شمال شهر و در نهایت دختران شمال شهر با میانگین ۲/۳۶، ۲/۱۰، ۱/۰۰ و ۰/۴۸ حذف پایانی /n/ را بیش‌تر انجام می‌دهند.

جدول ۱۱. توصیف آماری مقدار حذف پایانی /nd/ در نمونه مطالعه‌شده
براساس منطقه محل سکونت و جنسیت.

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
۵۰	۴.۷۲	۲.۸۳۶	۰.۴۰۱
۵۰	۴.۴۴	۲.۶۲۸	۰.۳۷۲
۵۰	۲.۳۰	۱.۵۶۸	۰.۲۲
۵۰	۱.۰۶	۱.۲۵۲	۰.۱۷۷
۲۰۰	۳.۱۳	۲.۶۴۳	۰.۱۸۷

با توجه به جدول بالا به‌ترتیب پسران جنوب شهر، دختران جنوب شهر، پسران شمال شهر و در نهایت دختران شمال شهر با میانگین ۴/۷۲، ۴/۴۴، ۲/۳۰ و ۱/۰۶ حذف پایانی /nd/ را بیش‌تر انجام می‌دهند.

جدول ۱۲. توصیف آماری مقدار حذف پایانی /d/ در نمونه مطالعه‌شده
براساس منطقه محل سکونت و جنسیت.

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
۵۰	۰.۳۸	۰.۴۹۰	۰.۰۶۹
۵۰	۰.۲۰	۰.۴۰۴	۰.۰۵۷
۵۰	۰.۲۰	۰.۴۰۴	۰.۰۵۷
۵۰	۰.۱۰	۰.۳۰۳	۰.۰۴۳
۲۰۰	۰.۲۲	۰.۴۱۵	۰.۰۲۹

با توجه به جدول بالا به‌ترتیب پسران جنوب شهر، دختران جنوب شهر و پسران شمال شهر و در نهایت دختران شمال شهر با میانگین ۰/۳۸، ۰/۲۰، ۰/۲۰ و ۰/۱۰ حذف پایانی /d/ را بیش‌تر انجام می‌دهند.

جدول ۱۳. توصیف آماری مقدار حذف پایانی /t/ نمونه مطالعه‌شده
براساس منطقه محل سکونت و جنسیت.

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
۵۰	۳.۱۶	۲.۰۹۳	۰.۲۹۶
۵۰	۳.۰۴	۱.۸۶۲	۰.۲۶۳
۵۰	۱.۵۲	۱.۲۳۳	۰.۱۷۴
۵۰	۰.۸۰	۱.۰۱۰	۰.۱۴۳
۲۰۰	۲.۱۳	۱.۸۹۰	۰.۱۴۳

با توجه به جدول بالا به ترتیب پسران جنوب شهر، دختران جنوب شهر، پسران شمال شهر و در نهایت دختران شمال شهر با میانگین ۳/۱۶، ۳/۰۴، ۱/۵۲ و ۰/۸۰ حذف پایانی /t/ را بیش‌تر انجام می‌دهند.

جدول ۱۴. توصیف آماری مقدار حذف پایانی /h/ نمونه مطالعه‌شده
براساس منطقه محل سکونت و جنسیت.

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
۵۰	۶.۷۴	۲.۱۸۴	۰.۳۰۹
۵۰	۶.۰۶	۲.۲۸۰	۰.۳۳۳
۵۰	۳.۵۴	۱.۴۴۶	۰.۲۰۴
۵۰	۲.۶۲	۱.۲۱۰	۰.۱۷۱
۲۰۰	۴.۷۴	۲.۵۰۳	۰.۱۷۷

با توجه به جدول بالا به ترتیب پسران جنوب شهر، دختران جنوب شهر، پسران شمال شهر و در نهایت دختران شمال شهر با میانگین ۶/۷۴، ۶/۰۶، ۳/۵۴ و ۲/۶۲ حذف پایانی /h/ را بیش‌تر انجام می‌دهند.

جدول ۱۵. توصیف آماری نمونه مطالعه‌شده در مقدار حذف پایانی /k/
براساس منطقه محل سکونت و جنسیت.

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار
۵۰	۱.۱۸	۰.۷۷۴	۰.۱۱۰

۰.۰۹۷	۰.۶۸۹	۱.۱۲	۵۰	دختر جنوب
۰.۰۸۰	۰.۵۶۷	۰.۳۸	۵۰	پسر شمال
۰.۰۸۳	۰.۵۸۷	۰.۳۲	۵۰	دختر شمال
۰.۰۵۴	۰.۷۶۸	۰.۷۵	۲۰۰	جمع

با توجه به جدول بالا به ترتیب پسران جنوب شهر، دختران جنوب شهر، پسران شمال شهر و در نهایت دختران شمال شهر با میانگین ۱/۱۸، ۱/۱۲، ۰/۳۸ و ۰/۳۲ حذف پایانی /k/ را بیش‌تر انجام می‌دهند.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده در این تحقیق، می‌توان نتایج کلی زیر را مطرح کرد:

با توجه به سوال اول این تحقیق مبنی بر میزان حذف هم‌خوان پایانی در میان دانش‌آموزان شهرری و تهران باید اظهار داشت که در تمام موارد، حذف‌های پایانی دانش‌آموزان پایین شهر بیش از دانش‌آموزان بالای شهر است. این مقوله به‌صورتی غیرقابل‌انکار به سطح فرهنگی جامعه آماری بررسی‌شده در این تحقیق، شغل خانوادگی و سطح تحصیلات پدر و مادر وابسته است. کودکان دبستانی، که تاثیرپذیری غیرقابل‌انکار از جامعه و محیط اطراف خود دارند، به‌صورتی ملموس از قواعد حاکم بر جامعه پیرامون خود تبعیت می‌کنند و بالطبع این شرایط برای دو گونه فرهنگی از دو منطقه مجزا بسیار نمود پیدا می‌کند.

همچنین با توجه به تاثیر جنسیت بر میزان حذف هم‌خوان پایانی می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که حذف هم‌خوان پایانی در جمع کودکان اول ابتدایی بالای شهر و پایین شهر تهران بین دختر و پسر تفاوتی معنادار وجود دارد به گونه‌ای که به ترتیب پسران جنوب شهر، دختران جنوب شهر، پسران شمال شهر و در نهایت دختران شمال شهر حذف‌ها را انجام می‌دهند و در هر دو گروه بالای شهر و پایین شهر میزان حذف هم‌خوان پایانی در بین پسران نسبت به دختران بیشتر است.

بنابراین در کل پژوهش در منطقه جنوب شهر حذف بیشتری رخ داده و حذف در میان پسران بیشتر از دختران به چشم می‌خورد و همچنین مقایسه نتایج هر دو گروه از دانش‌آموزان نشان می‌دهد که به‌طور کلی حذف آوای /t/ و /d/ (لثوی‌های انفجاری) بیش از بقیه آواها رخ داده است و آوای دیگر شامل /r/، /n/، /k/، /h/ و /nd/ در مرتبه بعدی

حذف‌های پایانی قرار دارند. در پایان می‌توان گفت که طبق انتظار می‌رفت که لثوی‌های انفجاری شامل /t/ و /d/ بیش از /n/ و /nd/ حذف می‌شدند که این امر در این تحقیق نیز مشاهده شد.

کتاب‌نامه

- بیجن‌خان، محمود، (۱۳۸۴). واج‌شناسی نظریه بهینگی. تهران: سمت.
- پرتوی، زیبا، (۱۳۷۴). "پژوهشی بر رابطه زبان و طبقه اجتماعی و کاربرد آن در کودکان دبستانی بر پایه نظریه برنشتاین"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- حسینی ابریشمی، محمد، (۱۳۷۰). "تغییرگونه سبکی در موقعیت‌های مختلف اجتماعی"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- صفری، ابراهیم، نشریه جستارهای زبانی، توصیف و تحلیل فرآیندهای واجی گویش گالشی: رویکرد بهینگی، دوره ۷، شماره ۲، پیاپی ۳۰، خرداد و تیر ماه ۱۳۹۵
- کامبوزیا، عالیہ کرد زعفرانلو (۱۳۸۸). واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد. تهران: سمت.
- مدرسی، یحیی، (۱۳۶۸) *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- Avery, P. & Rice, K. (1988). Underspecification and the coronal node. In P. Avery (Ed.). Toronto Working Papers in Linguistics, 9, pp. 101-119.
- Beddar, P. (2009). A coarticulatory path to sound change. *Language*, 85, 785-821.
- Cunha, C. & Harrington, J. (2011). The perception of /pt/ and /kt/ in European and Brazilian Portuguese. *Proc. ICPHS, Hong Kong*
- Daher, J. (1998b). Gender in linguistic variation: The variable (q) in Damascus Arabic. In E. Benmamoun, M. Eid, & J. McCarty (Eds.), *Perspectives on Arabic Linguistics, XI: Papers from the Eleventh Annual Symposium on Arabic Linguistics* (pp. 183-206). Amsterdam: John Benjamins.
- Davis, S. (1991). *Coronals and the phonotactics of nonadjacent consonants in English*. In C. Parais & J. F. Prunet (Eds.), *Phonetics and phonology 2. The special status of coronals, internal and external evidence* (pp. 49-60). San Diego: Academic Press.
- Falahati, R. (2011). *An experimental study of consonant deletion in Persian*. Unpublished Manuscript. University of Ottawa
- Fishman, J.A. (1971). *Sociolinguistics: A Brief Introduction*. Rowly, Mass: Newbury House.
- Fasold, R. (1990). *Sociolinguistics of Language*. Oxford: Blackwell
- Giglioli, P. (1972). *Language and Social Context*. Harmondsworth: Penguin Books.

- Hass, M. (1944). *Men's & women's speech in kosati*. In D. Hymes, *Language inculture & society*, Harper International Edition Publishers.
- Hudson, R. A. (1980). *Sociolinguistics*. Cambridge: University Press.
- Hudson, R. (1980). *Sociolinguistic*. London: Cambridge University Press.
- Jahangiri, N. & Hudson, R. (1982). "Social patterns of variation in Tehrani Persian", in Suzanne Romaine (ed.) *Sociolinguistic Variation in Speech Communities*. London: E. Arnold. pp. 49-63.
- Kleber, F., Harrington, J. & Reubold, U. (2012). *The relationship between the perception and production of coarticulation during a sound change in progress*. *Language and Speech*, 55, 383-405.
- Kleber, F., John, T., & Harrington, J. (2010). *The implications for speech perception of incomplete neutralization of final devoicing in German*. *J. Phon.* 38, 185-196.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic Pattern*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press
- Lakoff, R. (1975), *Language and women's place*, New York: Harper.
- Milroy, J. (2012), *Sociolinguistics and Ideologies in Language History*, In Hernandez-Campoy, J. M. & Conde-Silvestre, J. C. *The Handbook of Historical Sociolinguistics*. UK: Blackwell, pp. 571-584.
- Pagoni, S. (1989). *Cluster Analysis and Social Network Structure: The Modern Greek Evidence*. *Studies in Greek Linguistics*, 10, 399 – 419
- Pride, j.B. (1970). "Sociolinguistics." In Lyons (Ed). *New Horizons in Linguistics*.
- Reubold, U. & Harrington, J. (2015). *Disassociating the effects of age from phonetic change: a longitudinal study of formant frequencies*. In A. Gerstenberg & A. Voeste (Eds.), *Language Development: The Lifespan Perspective*. John Benjamins Publishing Company, Amsterdam. (p. 9- 37).
- Rohany R. E. (2012). *Aspects of Persian Phonology and Morpho-phonology*. Ph.D. dissertation, University of Toronto: Toronto.
- Romaine, S. (1982). *Sociolinguistic Variation in Speech Communities*.
- Stevens, M., Bukmaier, V., and Harrington, J. (2015) Pre-consonantal /s/ retraction. International Congress of Phonetic Sciences, Glasgow, August 2015
- Trudgill, P. (1974). *Sociolinguistics. An Introduction to Language and Society*. Harmondsworth: Penguin Books.